

سُورَةُ الْمُطَفِّينَ ٨٣

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّينَ

﴿١﴾

وای بادا! بر کم‌فروشانِ پلید قاصرند اندر فروش و در خرید
الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ

﴿٢﴾

آن کسان که در خرید کلاً تمام می‌ستانند مال را کامل و تام
وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ

﴿٣﴾

لیک در وقتِ فروش بر مردمان کم کنند پیمانه‌ها را ظالمان
أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

﴿٤﴾

هیچ نپندارند که در روزِ حساب؟ زنده می‌گردند از بهرِ عِقَاب!

لَيَوْمٍ عَظِيمٍ

﴿۵﴾

روزِ حشر و رستخیز، روزیست وعده‌ای باشد ز یزدانِ کریم
عظیم

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿۶﴾

روزی که مخلوق بیایند در حضور سوی ربّ‌العالمین، بهر مرور

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ

﴿۷﴾

با کتابی که شده غرقِ گناه می‌رسد بهر حساب نزدِ اله
نامه‌ی اعمالشان آن غافلین می‌کشاند سوی سِجّین، اجمعین

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ

﴿۸﴾

تو نداری هیچ ادراک زین کلام تا شناسی معنی سِجّین تمام

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

﴿۹﴾

آن کتاب، مرقومه‌ی ذاتِ خداست عدل و دادِ حضرتش لامنتهاست

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

﴿۱۰﴾

وای! بر احوال و بر فرجامشان اندر آن روز از برای کاذبان
الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيَّوْمِ الدِّينِ

﴿۱۱﴾

آن کسانی که بگفتند روی کین هست دروغ روز قیامت، یوم دین
وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلٌّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

﴿۱۲﴾

وین چنین تکذیب نیاید از کسی جز که باشد او تجاوزگر همی
إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

﴿۱۳﴾

چون بخوانند بهرشان آیاتِ حق بازگویند، هست فُسانه از سَبَق
كَلَّا بَلْ رَأَىٰ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

﴿۱۴﴾

لیک نباشد این چنین حَقّاً یقین حاصلِ اعمالشان گشته چنین
آنچه کردند از گناه و از ذنوب کسب کرده از پلیدیشان قلوب
كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

﴿۱۵﴾

نیست آن طوری که پندارند باز جمله محرومند ز لطف کارساز
اندر آن روز در حضورِ کردگار پرده‌ی جهل در میان گیرد قرار
ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

پس به دوزخ اندر آیند ناگهان آن بزه‌کاران و آن ناباوران
ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

آنکه آید این خطاب بر جملگی این همان است که شما در زندگی
جمله خواندیدش همی، کذبِ تمام این عذاب‌یست که بخواهید دید مدام
كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ

نیست آن طوری که پندارید دگر تا نکوکاران بگردند مستقر
نامه‌ی اعمالشان بی‌واهمه می‌برد بر سوی عِلِّيِّین همه
وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ

تو چه دانی معنی این‌سان کلام؟ تا بفهمی چیست عِلِّيُّون تمام؟
كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

آن کتاب مرقومه‌ی ذاتِ خداست عدل و دادِ حضرتش لامُنْتَهَاسِت
يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

هر که باشد او مقرب زین مقام شاهدست و ناظرست در حدّ تام
إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

﴿۲۲﴾

جمع نیکوخلستان اندر نعیم در بهشت عدن آن ذات کریم
عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ

﴿۲۳﴾

در بساط قرب دارند تکیه‌گاه بنگرند انعام و الطاف اله
تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ

﴿۲۴﴾

می‌شود رخسارشان خندان و شاد از نعم‌های الهی کرده یاد
يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ

﴿۲۵﴾

می‌شود تقدیم به ایشان از شراب که بود سربسته و ممهور و ناب
خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ

﴿۲۶﴾

او به مُشکی جانفزا ممهور هست از برای این شراب آرند دست
بهر آن سبقت بگیرند مؤمنان این‌چنین انعام باشد جاودان
وَمِمَّا جَاءَهُ مِنْ تَسْنِيمٍ

چشمه‌اش تَسْنِیم دارد انتساب جوهرش باشد از آنجا، گشته ناب
عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

از همان چشمه بنوشند گاه‌گاه جمله مخلوقِ مقرب بر اِله
إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ

جمله‌ی آنان که هستند مجرمان می‌نمودند ریشخند بر مؤمنان
وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

بر جمیع مؤمنان، اندر عبور می‌نمایند مسخره بس با غرور
وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

تا که آیند در حضور اهلِ خویش می‌کنند بازگو و ریشخند، کارِ پیش
وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

چون ببینند مؤمنان را کافران پس بگویند گم‌رهند این مؤمنان
وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ

ما ندادیم پس قرار آن جاهلان تا شوند حافظ به جمعِ مردمان
فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ

اندر امروز پس بخندند مؤمنان بر جمیعِ کافران و جاهلان
عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ

در بساطِ قرب دارند تکیه‌گاه بنگرند انعام و الطافِ اله
هَلْ ثُوبَ الْكُفَّارِ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

بهر کفار هر چه شد فرجامشان نیست آیا حاصلِ اعمالشان؟